

## Research Article

# Effectiveness of the Children of Divorce Intervention Program (CODIP) on Children's Perceptions of Parental Divorce: Single Subject Study

S. Ramezanzadeh<sup>1</sup>, O. Etemadi<sup>2</sup> & F. Asanjarani<sup>3</sup>

1. Ph.D. Candidate, Department of Counseling, Faculty of Education and Psychology, University of Isfahan, Isfahan, Iran. Email: sorayarmzn@gmail.com

2. Full Professor, Department of Counseling, Faculty of Education and Psychology, University of Isfahan, Isfahan, Iran. Email: o.etemadi@edu.ui.ac.ir.

3. Assistant professor, Department of Counseling, Faculty of Education and Psychology, University of Isfahan, Isfahan, Iran. Email: f.asanjarani@edu.ui.ac.ir

## Abstract

**Aim:** The aim of this study was to explore the effectiveness of the children of divorce intervention program on children's perceptions of parental divorce.

**Method:** The research method was single subject (A-B design) and the statistical population of this study consisted of all female children of divorce in Bumehen, among them three children were selected through convenience sampling. A 31- item researcher-made questionnaire on children's perception of parental divorce (CPPDQ) was used to collect the data. The face and content validity of the questionnaire were confirmed by experts, and the reliability of the questionnaire was reported to be 0/86 for the whole questionnaire using Cronbach's alpha coefficient. After one baseline session for each child, an intervention program was presented to each child individually through the 8-week program. Each session lasted for 45 minutes. Also, in the follow-up phase, the data were analyzed using visual analysis and descriptive statistical indicators.

**Results:** The results of the study indicated that CODIP was effective to increase children's positive feelings and attitudes towards their parental divorce, reduce children's negative feelings towards their parental divorce, improve children's relationships with their parents and peers, and increase the feeling of competence in children. **Conclusions:** The children of divorce intervention program for children of divorce can be considered as an effective way to improve children's perceptions in response to their parents' divorce and can be used in counseling and educational centers.

**Key words:** *Intervention Program, Children Perception, Children of Divorce, Single Subject Study*

**Citation:** Ramezanzadeh, S., Etemadi, O., & Asanjarani, F. (2023). Effectiveness of the Children of Divorce Intervention Program (CODIP) on Children's Perceptions of Parental Divorce: Single Subject Study *Quarterly of Applied Psychology*, 17 (1):127-149.

## اثربخشی برنامه مداخله‌ای کودکان طلاق بر ادراک کودکان از طلاق والدین: پژوهش مورد منفرد

ثریا رمضان‌زاده<sup>۱</sup>، عذرا اعتمادی<sup>۲</sup> و فرامرز آسنجرانی<sup>۳</sup>

۱. دانشجوی دکتری، گروه مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران. ایمیل: sorayarmzn@gmail.com

۲. استاد، گروه مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران. ایمیل: o.etemadi@edu.ui.ac.ir

۳. استادیار، گروه مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران. ایمیل: f.asanjarani@edu.ui.ac.ir

### چکیده

**هدف:** هدف پژوهش حاضر، بررسی تأثیر برنامه مداخله‌ای کودکان طلاق بر ادراک کودکان از طلاق والدین بود. **روش:** روش پژوهشی مورد منفرد (A-B) و جامعه آماری پژوهش، شامل کودکان دختر طلاق شهر بومهن بود که از میان آن‌ها سه کودک از طریق نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. جهت گردآوری داده‌ها، پرسشنامه ۳۱ سؤالی محقق ساخته ادراک کودکان از طلاق والدین (CPPDQ) استفاده شد. روایی پرسشنامه بر اساس روایی محتوایی و صوری مورد تأیید متخصصان قرار گرفته و پایایی پرسشنامه با ضریب آلفای کرانباخ برای کل پرسشنامه ۰/۸۶ گزارش شده است. پس از یک جلسه خط پایه برای هر کودک برنامه مداخله‌ای به هر یک از کودکان، به صورت انفرادی در ۸ جلسه هفتگی هر جلسه ۴۵ دقیقه ارائه و ادراک کودکان بعد از هر جلسه، و در مرحله پیگیری مجدداً اندازه‌گیری، و داده‌ها بر اساس تحلیل دیداری و شاخص‌های آماری توصیفی تحلیل شد. **یافته‌ها:** یافته‌ها نشان داد برای هر سه آزمودنی میانگین، میانه، روند و درصد غیرهمپوشی داده‌های مداخله بر ادراک شرکت‌کنندگان مؤثر بود و برنامه مداخله‌ای کودکان طلاق در افزایش احساسات و نگرش مثبت، کاهش احساسات منفی نسبت به طلاق والدین، بهبود روابط با والدین و همسالان و افزایش احساس شایستگی در کودکان مؤثر بوده است. **نتیجه‌گیری:** بر اساس نتایج، برنامه مداخله‌ای کودکان طلاق را می‌توان به عنوان روشی مؤثر برای بهبود ادراک کودکان در واکنش به طلاق والدین‌شان تلقی کرد و در مراکز مشاوره و آموزشی می‌توان از آن استفاده کرد.

**کلید واژه‌ها:** برنامه مداخله‌ای، ادراک کودکان، کودکان طلاق، پژوهش مورد منفرد

استناد به این مقاله: رمضان‌زاده، ثریا، اعتمادی، عذرا، و آسنجرانی، فرامرز. (۱۴۰۲). اثربخشی برنامه مداخله‌ای کودکان طلاق بر ادراک کودکان از طلاق والدین: پژوهش مورد منفرد. فصلنامه علمی - پژوهشی روان‌شناسی کاربردی، ۱۷ (۱ پیاپی ۶۵): ۱۲۷-۱۴۹.

## مقدمه

طلاق والدین یکی از غم‌انگیزترین وقایع در زندگی کودکان است (اورسپرگ، ولساک، پونوکنی و برات، ۲۰۱۹) که منجر به تغییرات قابل توجهی در ساختار خانواده می‌شود (گرین و هردزیک، ۲۰۲۱)، بدنبال تغییر در سیستم خانواده و کیفیت روابط والد-فرزند (لان، ۲۰۲۱)، دسترسی فیزیکی و عاطفی والدین به عنوان مراقبان اصلی کودک محدود می‌شود (فینی و مومین، ۲۰۱۶) که این امر با تأثیر قابل توجهی بر عملکرد روانی و اجتماعی این کودکان همراه است (جول، اشمیتل، مک کوبین، هاپ و پومرانتز، ۲۰۱۷)، از جمله افسردگی و اضطراب، عزت نفس پایین (عزیز و همکاران، ۲۰۱۸) و مشکلات اجتماعی و تحصیلی (سورک ۲۰۱۹). علاوه بر این، احساس شرمندگی کودکان به دلیل متفاوت بودن با همسالان، ترس از طرد شدن و ناامیدی از جمله عواملی است که بر زندگی این کودکان تأثیر می‌گذارد (کادوسون، کانگوسی و شافر، ۲۰۱۹).

قابل ذکر است که نحوه درک فرزندان از فرآیند طلاق، واکنش آن‌ها را به مشکلات فوق‌الذکر ناشی از طلاق شکل خواهد داد. درک هر فرد از موقعیت، ماهیت و شدت عواطف و رفتارهای او را تعیین می‌کند، زیرا رفتارها و عواطف انسان نتیجه ادراک او از خود و دیگران است (صالح پور، احقر و نوابی نژاد، ۱۳۹۸). علاوه بر این، ادراک کودکان از طلاق والدین تأثیرات طلاق را تعدیل می‌کند (ویکمنز و باول، ۲۰۱۳). یعنی درک کودکان از دلایل طلاق و درک آن‌ها از پیامدهای این فرآیند ممکن است عامل مهمی در تعیین چگونگی سازگاری آن‌ها با تغییرات ناشی از طلاق والدین باشد (کالتر و پلانکت، ۱۹۸۴). ادراک کودک از پدر و مادر، پایه‌های ادراک او در مورد جهان خارج و قابل اعتماد بودن آن را شکل می‌دهد (نصیرزاده و زال پور، ۱۳۹۰) و از آنجایی که ادراک انسان در تعاملات با محیط و اشخاص ساخته و حتی بازسازی می‌شود (اسمیت، ۲۰۰۱) و با توجه به این نکته که مقابله کودک در واکنش به طلاق والدین، ممکن است ارزیابی و درک منفی کودکان را به دنبال داشته و باعث شود کودک خود را مقصر بداند (بیرامی و محبی، ۱۳۹۵).

از این رو این کودکان باید با تعریف مجدد پارامترهای خانوادگی و روابط خود روبه‌رو شوند (کارملا، دزازه، کاتنا و آملیا، ۲۰۱۹)، لذا با تغییر دادن عواملی که قابل تغییر و دستکاری است، می‌توان سنگینی بار طلاق والدین را در این کودکان کم کرد. همچنین دوران کودکی سال‌های مناسبی برای تشخیص مشکلات کودکان، مداخله به هنگام و پیشگیری از مشکلات عاطفی، اجتماعی و تحصیلی آینده آن‌ها است (خدیوی زند، آقا محمدیان و اصغری نکاح، ۱۳۹۲).

---

<sup>1</sup>. divorce

در این میان برنامه مداخله‌ای کودکان طلاق<sup>۱</sup> (پدرو- کارول، ۲۰۰۵) دارای اثربخشی بیشتری بوده و حمایت‌های بیشتری را کسب کرده است (برخورداری، ۱۳۹۵) و در کمک به کودکان در داشتن احساسات مثبت در مورد طلاق والدین نیز بسیار موفق بوده است (ایتون، ۲۰۱۸). این مداخله مانند برنامه کودکان در موقعیت‌های طلاق<sup>۲</sup> تنها متمرکز بر کاهش مشکلات عاطفی و بهبود ارتباط بین والدین و فرزندان پس از طلاق نیست (ایتون، ۲۰۱۸)، و برخلاف شروع مجدد<sup>۳</sup> که بر تغییر محیط کودک و واکنش‌های او به محیطش تمرکز دارد، بر بهبود توانایی کودکان برای شناسایی و بیان احساسات و عواطف خود (به ویژه در مورد طلاق) تمرکز می‌کند و به کودکان کمک می‌کند تا مهارت‌هایی را برای مقابله با مشکلات بعد از طلاق کسب کنند (آنقاسیان و همکاران، ۲۰۱۵).

این برنامه برای اولین بار در ایران توسط عبدی، پور ابراهیم و نظری (۱۳۹۲) در بررسی میزان سازگاری کودکان با طلاق به کار گرفته شد. حسینی یزدی و همکاران (۱۳۹۴) نیز اثربخشی این برنامه را در کاهش مشکلات درونی‌سازی و برونی‌سازی کودکان طلاق، مشهودی و همکاران (۱۳۹۴)، در بهبود تاب آوری و عاصمی و همکاران (۱۳۹۴) بر بهبود راهبردهای خود کنترلی کودکان مورد بررسی قرار دادند. با این حال، هیچ یک از این مطالعات، ادراک کودکان از طلاق والدین را ارزیابی نکردند. با توجه به اینکه درک یک رویداد استرس‌زا، با تأثیر آن بر یک فرد مرتبط است (گرینچ و فینچام، ۲۰۰۰) و تغییرات رخ داده شده را نمی‌توان خنثی کرد، با این حال درک کودک از این رویدادها می‌تواند اصلاح شود. در این پژوهش هدف نهایی برنامه مداخله‌ای کودکان طلاق نیز مبتنی بر سازگاری بیشتر و اصلاح واکنش سازنده و تغییر نگرش و درک کودکان است (لی کروی، ۲۰۰۸). در پژوهش‌های خارجی به پژوهش‌های کوردک و سیسکی (۱۹۸۰)، کالتر و پلانکت (۱۹۸۴) و یجکمنز و بول (۲۰۱۳) می‌توان اشاره نمود که به اهمیت بررسی ادراک کودکان از طلاق والدین می‌پردازد، اما پژوهشی که مبتنی بر مداخلات برای تغییر و اثرگذاری بر درک و برداشت کودکان ایرانی از طلاق والدین باشد، انجام نشده است. ایران، کشور اسلامی است که در آن ماهیت ازدواج در حال تغییر و روند طلاق به شدت در حال افزایش است، با توجه به میزان بالای طلاق در ایران (آقاجانیان و تامپسون، ۲۰۱۳)، و نقش غالب هنجارهای اجتماعی- فرهنگی در جامعه ایرانی و نگاه منفی جامعه نسبت به افراد مطلقه، بخصوص زنان و فرزندان آن‌ها (مرانیوال و تالوآسا، ۲۰۲۱)، مسئله طلاق با احساس شرم و تحقیر شدن توسط خانواده و جامعه همراه است (آسنجرانی و همکاران، ۲۰۱۸)، می‌توان گفت کودکانی

1. Children of Divorce Intervention Program

2. Kids in Divorce Situations

3. new beginning program

که والدین‌شان از یکدیگر جدا شده‌اند، از این بابت احساس شرم و حقارت می‌کنند (آقاجانین و تامپسون، ۲۰۱۳؛ خاسانا و کتیلی، ۲۰۲۱). همچنین، دختران بیشتر از پسران در مواجهه با فقدان و درگیری پس از طلاق والدین، احساس تنهایی و انزوا می‌کنند (گالانکی، ۲۰۰۸).

از سویی کودکان در مقطع دبستانی، آسیب‌پذیرترین مرحله سنی از لحاظ ساختار روانی را طی می‌کنند، درک این کودکان از طلاق منفی بوده و خود را مسئول جدایی می‌دانند و این مسأله مشکلات رفتاری و هیجانی کودک را تشدید می‌کند (فایض و برجلی، ۱۳۸۵). برنامه مداخله‌ای کودکان طلاق، محیط حمایتگری برای کودکان طلاق ایجاد می‌کند تا احساسات و تجارب آن‌ها را عادی‌سازی کند (پدرو کارول، ۲۰۰۵). در این برنامه توجه به ادراک کودکان دارای اهمیت ویژه است، زیرا ضمن اینکه راهبردهایی که کودکان در مقابله با طلاق برمی‌گزینند، شناسایی می‌شود. همچنین به آن‌ها کمک می‌کند که درک و ارزیابی بهتری از طلاق داشته باشند، به گونه‌ایی که خود سرزنشگری، احساس گناه و احساس ناتوانی را در آن‌ها کم کند (لی کروی، ۲۰۰۸)، لذا با توجه به افزایش فرزندان درگیر طلاق و متعاقب آن تأثیر منفی طلاق بر آن‌ها، پیشگیری از مشکلات این کودکان و کمک به آن‌ها برای سازگاری با طلاق از اولویت‌های اصلی است. برنامه مداخله‌ای کودکان طلاق با تقویت سبک‌های مقابله‌ای مؤثر، روشن کردن تصورات غلط، چارچوب‌بندی ارزیابی‌های واقع‌بینانه از شرایط و ارائه اسناد دقیق از مشکلات والدین، بر مشکلات کودکان طلاق تمرکز می‌کند و برای دستیابی به این هدف، محیط گروهی حمایتی ایجاد می‌شود که در آن کودکان یاد می‌گیرند با احساسات و تصورات خود در مورد طلاق کنار بیایند (سندلر و همکاران، ۲۰۰۰). این برنامه بر این فرض استوار است که حمایت به موقع از فرزندان طلاق، با تمرکز بر اثرات حاد طلاق، می‌تواند پیشگیری از مشکلات رفتاری، روانی و عاطفی کودکان در کوتاه مدت و همچنین کاهش هزینه‌های فردی و اجتماعی در بلند مدت، در پی داشته باشد. از این رو می‌تواند راه‌حل و رویکردی مناسب برای تغییر درک و ایجاد نگرش مثبت کودکان در واکنش و پاسخ به طلاق والدین باشد. به دلیل بافت کارگری شهر بومهن و فقر اقتصادی این شهر، کودکان باید به تنهایی با طلاق والدین خود کنار بیایند که این امر، آن‌ها را در معرض افزایش خطر ابتلا به ناراحتی روانی، اجتماعی و کاهش عملکرد تحصیلی قرار می‌دهد و از آنجایی که احساس گناه و مسئولیت در قبال جدایی و امید و آرزوی آشتی میان والدین، بار عاطفی برای این کودکان ایجاد می‌کند (لی کروی، ۲۰۰۸)، تغییر درک و باورهای غلط، بخش اساسی مداخله است. سالانه کودکان زیادی در ایران طلاق والدین را تجربه می‌کنند و باید تغییرات زندگی و سازگاری‌های جدید هیجانی را تحمل کنند و با پریشانی و ناتوانی به جدایی والدین پاسخ دهند و آن‌ها احساس می‌کنند که در شرایط پیش آمده نه تنها مقصر هستند، بلکه

کنترلی بر تغییرات پیش آمده ندارند. کمک به این کودکان برای ایجاد راه‌های مؤثر در مقابله با موقعیت‌های دشواری مانند طلاق، آن‌ها را به توانایی‌های مقابله‌ای مطمئن‌تر کرده و در نتیجه در جریان اختلافات و طلاق والدین کمتر مورد تهدید قرار می‌گیرند. لذا با توجه به خلاء پژوهشی موجود در این زمینه، این پژوهش به منظور کم کردن مشکلات حاصل از طلاق بر کودکان با هدف تغییر درک و باورهای غلط و منفی، اثربخشی برنامه مداخله‌ای کودکان طلاق را بر درک این کودکان بررسی می‌کند. از این رو، این پژوهش با هدف تعیین اثربخشی مداخله‌ای کودکان طلاق بر ادراک کودکان از طلاق والدین‌شان انجام شده است. در راستای هدف کلی پژوهش، فرضیه پژوهش این طور مطرح می‌گردد که مداخله‌ای کودکان طلاق بر ادراک کودکان از تجربه طلاق والدین‌شان تأثیر دارد.

### روش پژوهش

روش پژوهش از نوع پژوهش‌های مورد منفرد است و از طرح A-B استفاده شد. به طور کلی موقعیت اول A خط پایه است، در موقعیت دوم B یک مداخله درمانی اجرا می‌شود و سپس متغیر وابسته مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه کودکان دختر دبستان شهید حق وردیان شهر بومن در دامنه سنی ۱۱-۱۲ سال و نمونه پژوهش سه کودک طلاق که به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. معیارهای ورود به پژوهش عبارت بودند از: داشتن تجربه طلاق والدین؛ دختر بودن؛ تأثیر طلاق بر فرزندان ممکن است از لحاظ جنسیت متفاوت باشد (ساهین، ۲۰۲۰)؛ گروه سنی کودکان ۱۱-۱۲ ساله انتخاب شدند، زیرا تأثیر طلاق بر اساس سن کودک متفاوت است، فرزندان در سنین مختلف ادراک و برداشت‌های متفاوتی از طلاق دارند (کورنیچ و فرستنبرگ، ۲۰۱۳)؛ رضایت والدی که حضانت کودک را بر عهده دارد؛ (۵) حضور خود والدی که حضانت کودک را دارا است؛ مؤنث بودن والد؛ با توجه به تمایل کمتر پدران، همه والدین مؤنث در نظر گرفته شدند. معیارهای خروج عدم تمایل والدین به شرکت فرزندشان در دوره و عدم تکمیل دوره مداخله بود. به منظور رعایت اخلاق پژوهش، پس از انتخاب آزمودنی‌ها و ارائه اطلاعات در باره هدف پژوهش و بیان اصل رازداری در مورد اطلاعاتی که در اختیار پژوهشگر می‌گذارند، به آن‌ها حق انتخاب شرکت یا رد شرکت در پژوهش داده شد.

## ابزار پژوهش

## ۱. ادراک فرزندان از طلاق والدین (CPPDQ)

به منظور سنجش ادراک کودکان از تجربه طلاق والدین از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شد. این پرسشنامه شامل ۳۱ گویه است که چهار هدف اصلی که شکل دهنده درک کودک نسبت به طلاق والدین است، یعنی (تنهایی، خشم و سرزنش، تغییر در روابط، احساس شایستگی) را می‌سنجد. سنجش پرسشنامه بر مبنای طیف لیکرت شش درجه‌ای برای بیان میزان اهمیت یا وضعیت یک متغیر؛ اصلاً (۰)، خیلی کم (۱)، کم (۲)، متوسط (۳)، زیاد (۴) و خیلی زیاد (۵) طراحی شدند که نمره‌گذاری گویه‌های ۲۵ تا ۳۱ منفی است. کمینه نمرات ۳۱ و بیشینه آن ۱۵۵ است. این پرسشنامه با بهره‌گیری از سوابق مطالعات صورت گرفته (کردک و برگ، ۱۹۸۳؛ کردک و سیسکی، ۱۹۸۰)، و بررسی مبانی نظری (والرشتاین و کلی، ۱۹۸۰) تدوین و طراحی شده است. برای سنجش میزان روایی محتوایی پرسشنامه، ۱۰ نفر از متخصصان روانشناسی، مشاوره و روانسنجی پرسشنامه را بررسی کردند. فرم ارزیابی روایی محتوا برای آن‌ها تهیه شد و پرسشنامه بر مبنای پیشنهادها آن‌ها بازنگری شد. پایایی پرسشنامه نیز از طریق آلفا کرونباخ بر روی ۳۰ نفر از کودکان طلاق که از لحاظ مشخصات دموگرافیک مشابه جمعیت مورد مطالعه بودند، سنجیده شد که مقدار آن برای کل پرسشنامه ۰/۸۶ بدست آمد. همچنین مقدار آلفا بر اساس سوال‌های مرتبط با چهار مقوله تنهایی، خشم و سرزنش (والدین، اطرافیان و همسالان)، تغییر در روابط (والدین، اطرافیان و همسالان) و احساس شایستگی به ترتیب ۰/۹۳، ۰/۷۹ و ۰/۸۸ مؤید پایایی ابزار است.

## محتوای جلسات مداخله‌ای کودکان طلاق

برنامه مداخله‌ای کودکان طلاق را لی کروی (۲۰۰۸) برای افزایش کیفیت تعامل و بهزیستی زندگی کودکان پس از طلاق طراحی کرد. روایی محتوایی این برنامه در پژوهش‌های پدر و کارول، آلپرت-گیلیس و کوون (۲۰۰۹) ۰/۸۷ گزارش شده است. محتوای جلسه‌های برنامه مداخله‌ای از کتابی تحت عنوان «راهنمای جامع طرح‌های معتبر درمان برای کودکان و نوجوانان»<sup>۱</sup> به ویراستاری کریچ وینستون لی کروی (۲۰۰۸) تنظیم و جلسه‌ها به شرح زیر اجرا شد.

<sup>۱</sup>. children's perception of parents' divorce Questionnaire (CPPDQ)

<sup>۲</sup>. handbook of evidence-based treatment manuals for children and adolescents

**جلسه اول.** هدف این جلسه فراهم کردن فضائی امن برای مشارکت اعضای گروه در فعالیت‌های گروهی و تعیین یک چارچوب مشخص برای جلسات آتی بود. با معرفی عروسک گروه، از اعضا خواسته شد تا با کمک یکدیگر، نامی برای این گروه تعیین کنند تا به این طریق همبستگی در بین آن‌ها تقویت شود.

**جلسه دوم.** در این جلسه کودکان با مفهوم احساس و احساسات اصلی آشنا شدند تا با افزایش دایره واژگان احساسی خود، قادر به تشخیص احساسات اصلی در خود و دیگران باشند. آن‌ها یاد گرفتند این احساسات در همه وجود دارد. برای این منظور از وسایل متعددی نظیر پوستر احساسات استفاده شد. همچنین مفهوم خانواده توضیح داده شد تا کودکان دریابند که هر خانواده‌ای برای خود منحصر به فرد است. در این جلسه از کتاب، نقاشی و بازی نقش جهت افزایش آگاهی کودکان در رابطه با گوناگونی خانواده‌ها و پی بردن به ساختار آن‌ها استفاده شد.

**جلسه سوم.** به کودکان کمک شد مفهوم طلاق را بیشتر درک کنند و احساسات و واکنش‌های رایج نسبت به طلاق والدین نظیر انکار، ترس از طرد شدن، احساس گناه و غمگینی را شناسایی کنند. در این جلسه مفاهیم مربوط به حل مسئله اجتماعی مطرح شد. مراحل چهارگانه حل مسئله با تأکید بر ارائه راه‌حل‌های متناوب به کودکان آموزش داده شده و با نشان دادن پوستری از تصاویر متعدد از کودکان خواسته شد ضمن بیان راه‌حل‌های متعدد دریابند برای هر مشکلی می‌تواند بیش از یک راه‌حل وجود داشته باشد.

**جلسه چهارم.** کودکان تشویق شدند هر وقت دچار مشکل خاصی شدند، ابتدا سعی کنند آن مشکل را به طور دقیق تعریف و سپس راه‌حل‌های متعددی را که به ذهن‌شان می‌رسد، بیان کنند. آن‌ها دریافتند چطور راه‌حل‌های ارائه شده را با توجه به پیامد هر یک، ارزیابی و بهترین راه‌حل ممکن را انتخاب کنند. برای آموزش بهره‌گیری از مهارت‌های حل مسئله شخصی و مشکلات مربوط به طلاق، از عروسک گروه استفاده شد.

**جلسه پنجم.** به کودکان جهت درک تفاوت بین مشکلاتی که می‌توانند و مشکلاتی که نمی‌توانند حل کنند و همچنین تفاوت بین آرزوها و واقعیت‌ها آموزش داده شد، تا آن‌ها بدانند که حل کردن برخی مشکلاتی خارج از توانایی آن‌ها است و در این صورت احساس ناامیدی و ناتوانی نکنند. با انجام یک بازی لذت‌بخش، مهارت‌های حل مسئله آن‌ها به همراه مهارت‌هایی که تاکنون آموخته بودند، تقویت شد.

**جلسه ششم.** با استفاده از کتاب و نیز انجام فعالیت پرسش و پاسخ، سعی شد عواطف شخصی کودکان نسبت به طلاق، درک و با آن‌ها همدلی شود و با استفاده از عروسک گروه ادراکات و احساسات کودکان نسبت به والدین‌شان و مشکلاتی که در ارتباط با آن‌ها دارند بررسی و به



کودکان کمک شد تا احساسات والدین و خودشان را درک کنند. مهارت‌های حل مسئله کودکان نیز جهت حل مسائلی که در بازی با عروسک مطرح می‌شود، بررسی شد.

**جلسه هفتم.** در این جلسه با استفاده از بازی «دایناسور باجرات»، مهارت‌های که کودکان آموخته بودند بررسی شد و برای تقویت عزت نفس کودکان و افزایش آگاهی کودکان نسبت به خود به عنوان افرادی منحصر به فرد و برجسته کردن تغییرات مثبتی که در نتیجه طلاق والدین در کودکان ایجاد شده است، هر کودک یک جدول «ویژگی‌های شخصی» را با کمک مشاور پر کرد. در این جدول، آرزوها و احساسات کودکان نوشته شد. تغییرات مثبت زندگی کودکان، مورد بررسی قرار گرفت تا از میزان نگرش منفی آن‌ها نسبت به طلاق والدین، کم شود.

**جلسه هشتم.** برای افزایش عزت نفس کودکان، بر نقاط قوت آن‌ها در گروه تأکید شد. همچنین کودکان تشویق شدند تا روابطشان را با یکدیگر همچنان حفظ کنند و در مواقع لزوم از یکدیگر و یا دوستان، والدین و افراد مورد اعتماد کمک بگیرند. در پایان جشن مختصری برای گروه برگزار شد.

## روش اجرا

روش اجرا بدین صورت بود که بعد از انتخاب گروه نمونه، با هر کدام، جداگانه جلسه‌ای برای معارفه و توضیحات کلی در مورد ساختار جلسات و تعیین زمان جلسات تشکیل و پیش‌آزمون به عنوان موقعیت خط پایه (پرسشنامه ادراک کودکان از طلاق والدین) اجرا شد. سپس جلسات مداخله طی هشت جلسه و به توالی هر هفته دو جلسه ۴۵ دقیقه‌ای اجرا شد. هر دو جلسه یک بار پرسشنامه به عنوان پس‌آزمون توسط کودکان تکمیل می‌شد. در پایان، یک جلسه نیز به موقعیت پیگیری اختصاص داده شد. کلیه جلسات توسط پژوهشگر و در مدرسه اجرا شد و دانش‌آموزان در همه جلسات مداخله شرکت داشتند. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌های گردآوری شده و جهت ساده شدن درک نمودارها برای خواننده، ابتدا نمرات خام به نمرات استاندارد T تبدیل شد و موقعیت خط پایه، مداخله و پیگیری هر شرکت‌کننده روی نمودار رسم شد. سپس جهت تفسیر و نتیجه‌گیری از این نمودارها، از تحلیل دیداری<sup>۱</sup> شاخص روند<sup>۲</sup> و شاخص ثبات<sup>۳</sup> درصد داده‌های غیرهمپوش<sup>۴</sup> و درصد داده‌های همپوش<sup>۵</sup> استفاده شد. در نهایت با استفاده از روش تحلیل درون موقعیتی و بین موقعیتی به تحلیل متغیر مستقل بر وابسته پرداخته شد.

1. visual analysis

2. trending

3. stability

4. Percentage of Non- overlapping Data (PND)

5. Percentage of Overlapping Data (POD)

## یافته‌ها

ویژگی‌های جمعیت‌شناختی آزمودنی‌ها در جدول ۱ آمده است: فهرست شرکت‌کنندگان به تفکیک سن کودک زمان جدایی والدین، تعداد خواهر و برادر، سن پدر و سن مادر به شرح زیر است (جدول ۱).

جدول ۱. توصیف ویژگی‌های جمعیت‌شناختی آزمودنی‌ها

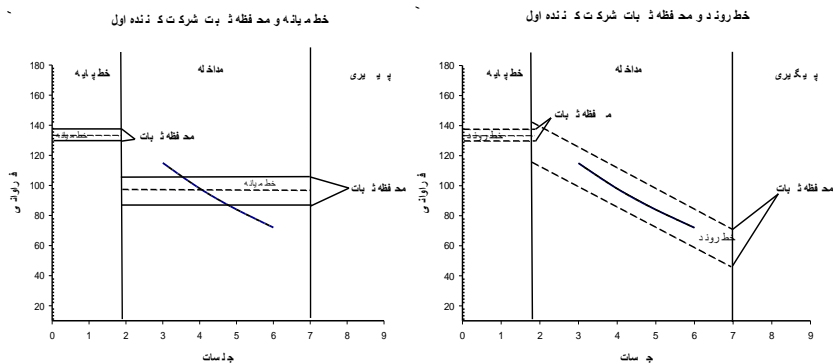
شماره	سن مادر	سن پدر	تعداد خواهر و برادرها	سن کودک زمان جدایی والدین
۱	۴۰	۴۵	۱	۹
۲	۴۰	۴۵	۱	۹
۳	۱۲	۳۹	۰	۱۰

در جدول ۲ نمرات خام اندازه‌گیری‌های مکرر در موقعیت مداخله (پس از پایان هر هفته) و موقعیت پیگیری مشخص شد. بر اساس جدول ۲، مشخص شد که میزان نمرات در هر سه شرکت‌کننده با گذشت جلسات رو به کاهش است.

جدول ۲. نمرات پرسشنامه در موقعیت خط پایه، مداخله و پیگیری سه آزمودنی

شرکت‌کننده	جلسات مداخله (B)				(خط پایه)	پیگیری
	جلسه ۲	جلسه ۴	جلسه ۶	جلسه ۸		
۱	۱۱۸	۱۰۷	۸۵	۶۹	۱۲۹	۶۴
۲	۱۱۵	۹۸	۸۴	۷۲	۱۳۴	۶۱
۳	۱۲۴	۱۱۲	۹۳	۸۰	۱۳۲	۷۰

نتایج جدول نشان می‌دهد که نمره ادراک کودکان از طلاق والدین هر سه کودک که برنامه مداخله‌ای را دریافت کردند؛ در دوره مداخله و پیگیری نسبت به خط پایه در جهت هدف پژوهش بهبود یافته و در مراحل پیگیری پایدار مانده است. بر اساس تحلیل دیداری نمودار داده‌های کودک ۱، خط میانه، خط روند و محفظه ثبات آن‌ها به قرار زیر به دست می‌آید:



نمودار ۱. خط میانه، خط روند و محفظه ثبات کودک اول

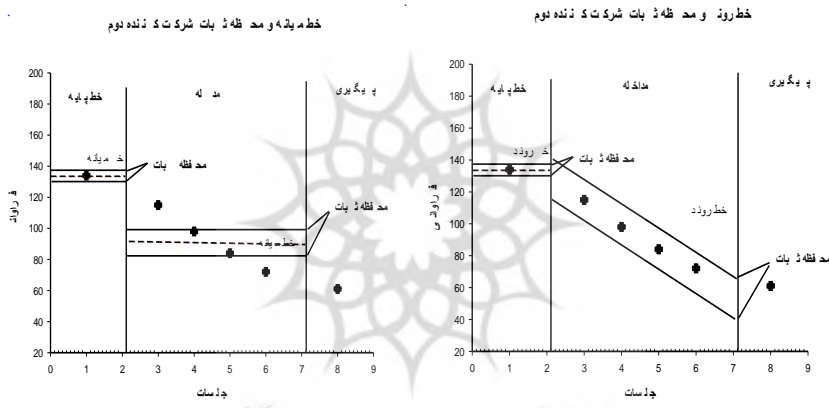
نمودار ۱ نشان می‌دهد کلیه نقاط نمره‌های کودک اول در خط پایه، مداخله و پیگیری در محفظه ثبات قرار دارند و روند مداخله و پیگیری با ثبات است. بنابراین اثر مداخله در مراحل پیگیری پایدار مانده است. جدول ۳ نتایج تحلیل دیداری درون موقعیتی، برای نمودار داده‌های کودک اول را طبق فرم تحلیل دیداری نشان می‌دهد:

جدول ۳. متغیرهای تحلیل دیداری درون موقعیتی و بین موقعیتی برای کودک اول

بین موقعیتی		درون موقعیتی		
B	مقایسه موقعیت	B	A	توالی موقعیت‌ها
A	تغییرات روند	۴	۱	طول موقعیت‌ها
منفی	تغییر جهت			سطح
مثبت	اثر وابسته به هدف	۹۶	۱۲۹	میانه
ثبات	تغییر ثبات	۷۵/۲۵	۱۲۹	میانگین
ثبات	تغییر در سطح	۶۹-۱۱۸	۱۲۹	دامنه‌ی تغییرات
۱۲۹ به ۱۱۲/۵	تغییر نسبی	بی ثبات	ثبات	دامنه تغییرات محفظه ثبات ۲۰٪ از میانه‌ی هر موقعیت
۱۲۹ به ۱۱۸	تغییر مطلق			تغییر سطح
۱۲۹ به ۹۶	تغییر میانه	۶۶/۵-۱۱۲/۵	۱۲۹-۱۲۹	تغییر نسبی
۱۲۹ به ۷۵/۲۵	تغییر میانگین	۶۹-۱۱۸	۱۲۹-۱۲۹	تغییر مطلق
	همپوشی داده‌ها			روند
۰/۱۰۰	PND	نزول	همسطح	جهت

ثبات	ثبات	ثبات	POD	۰/۰
مسیرهای چندگانه	خیر	خیر		

نتایج جدول نشان می‌دهد نمره مؤلفه‌های پرسشنامه ادراک کودکان طلاق از تجربه طلاق والدین که برنامه مداخله‌ای را دریافت کرده است؛ در دوره مداخله و پیگیری نسبت به خط پایه در جهت هدف پژوهش بهبود یافته و در مراحل پیگیری پایدار مانده است. شاخص PND نشان می‌دهد که هیچ گونه همپوشی بین نقاط موقعیت A (خط پایه) و موقعیت B (مداخله) وجود ندارد و مداخله با ۱۰۰ درصد اطمینان در متغیر ادراک کودکان از تجربه طلاق والدین مؤثر بوده است (PND=100%). بر اساس تحلیل دیداری نمودار داده‌های کودک دوم، خط میانه، خط روند و محفظه ثبات آن‌ها به قرار زیر به دست می‌آید:



نمودار ۲. خط میانه، خط روند و محفظه ثبات کودک دوم

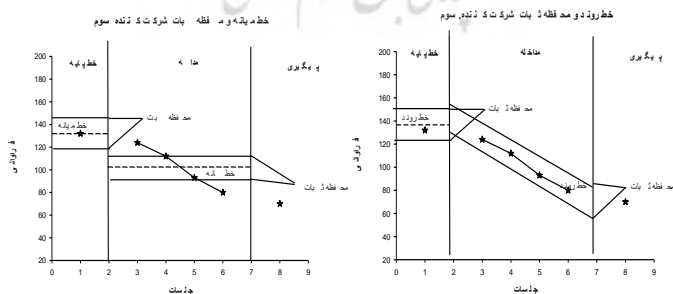
نمودار ۲ نشان می‌دهد کلیه نقاط نمره‌های کودک دوم در خط پایه، مداخله و پیگیری در محفظه ثبات قرار دارند و روند مداخله و پیگیری با ثبات است. بنابراین اثر مداخله در مراحل پیگیری پایدار مانده است. جدول ۴، نتایج تحلیل دیداری درون موقعیتی، برای نمودار داده‌های کودک دوم را طبق فرم تحلیل دیداری نشان می‌دهد:

جدول ۴. متغیرهای تحلیل دیداری درون موقعیتی و بین موقعیتی برای کودک دوم

بین موقعیتی		درون موقعیتی	
B	مقایسه موقعیت	B	A
A			توالی موقعیت‌ها

طول موقعیت‌ها	۱	۴	تغییرات روند	↘
سطح			تغییر جهت	منفی
میانہ	۱۳۴	۹۱	اثر وابسته به هدف	مثبت
میانگین	۱۳۴	۹۲/۲۵	تغییر ثبات	ثبات
دامنه تغییرات	۱۳۴	۷۲-۱۱۵	تغییر در سطح	
دامنه تغییرات محفظه ثبات	ثبات	بی ثبات	تغییر نسبی	۱۳۴ به ۱۰۶/۵
۲۰٪ از میانہی هر موقعیت				
تغییر سطح			تغییر مطلق	۱۳۴ به ۱۱۵
تغییر نسبی	۱۳۴-۱۳	۱۰۶-۷۸/۵	تغییر میانہ	۱۳۴ به ۹۱
تغییر مطلق	۱۳۴-۱۳	۷۲-۱۱۵	تغییر میانگین	۱۳۴ به ۹۲/۲۵
روند			همپوشی داده‌ها	
جهت	همسطح	نزول	PND	۰/۱۰۰
ثبات	ثبات	ثبات	POD	۰/۰
مسیرهای چندگانه	خیر	خیر		

نتایج جدول نشان می‌دهد نمره مؤلفه‌های پرسشنامه ادراک کودکان طلاق از تجربه طلاق والدین که برنامه مداخله‌ای را دریافت کرده است؛ در دوره مداخله و پیگیری نسبت به خط پایه در جهت هدف پژوهش بهبود یافته و در مراحل پیگیری پایدار مانده است. شاخص PND نشان می‌دهد که هیچ گونه همپوشی بین نقاط موقعیت A (خط پایه) و موقعیت B (مداخله) وجود ندارد و مداخله با ۱۰۰ درصد اطمینان در متغیر ادراک کودکان از تجربه طلاق والدین مؤثر بوده است (PND=100%). بر اساس تحلیل دیداری نمودار داده‌های کودک سوم، خط میانہ، خط-روند و محفظه ثبات آن‌ها به قرار زیر به دست می‌آید.



نمودار ۳. خط میانہ، خط روند و محفظه ثبات کودک سوم

نمودار ۳ نشان می‌دهد کلیه نقاط نمره‌های کودک سوم در خط پایه، مداخله و پیگیری در محفظه ثبات قرار دارند و روند مداخله و پیگیری با ثبات است. بنابراین اثر مداخله در مراحل پیگیری پایدار مانده است. جدول ۵ نتایج تحلیل دیداری درون موقعیتی، برای نمودار داده‌های کودک سوم را طبق فرم تحلیل دیداری نشان می‌دهد:

جدول ۵. متغیرهای تحلیل دیداری درون موقعیتی و بین موقعیتی برای کودک سوم

بین موقعیتی		درون موقعیتی		
B	مقایسه موقعیت	B	A	توالی موقعیت‌ها
A				
↘	تغییرات روند	۴	۱	طول موقعیت‌ها
منفی	تغییر جهت			سطح
مثبت	اثر وابسته به هدف	۱۰۲/۵	۱۳۲	میانه
ثبات	تغییر ثبات	۱۰/۲۵	۱۳۲	میانگین
ثبات				
	تغییر در سطح	۱۲۴-۸۰	۱۳۲	دامنه‌ی تغییرات
۱۳۲ به ۱۱۸	تغییر نسبی	بی ثبات	ثبات	دامنه تغییرات محفظه ثبات
				۲۰٪ از میانه‌ی هر موقعیت
۱۳۲ به ۱۲۴	تغییر مطلق			تغییر سطح
۳۲ به ۱۰۲/۵	تغییر میانه	۸۶/۵-۱۱۸	۱۳۲-۱۳۲	تغییر نسبی
۱۳۴ به ۱۰/۲۵	تغییر میانگین	۸۰-۱۲۴	۱۳۲-۱۳۲	تغییر مطلق
	همپوشی داده‌ها			روند
۰/۱۰۰	PND	نزول	همسطح	جهت
۰/۰	POD	ثبات	ثبات	ثبات
		خیر	خیر	مسیرهای چندگانه

نتایج جدول نشان می‌دهد نمره مؤلفه‌های پرسشنامه ادراک کودکان طلاق از تجربه طلاق والدین که برنامه مداخله‌ای را دریافت کرده است؛ در دوره مداخله و پیگیری نسبت به خط پایه در جهت هدف پژوهش بهبود یافته و در مراحل پیگیری پایدار مانده است. شاخص PND نشان می‌دهد که هیچ گونه همپوشی بین نقاط موقعیت A (خط پایه) و موقعیت B (مداخله) وجود ندارد و مداخله با ۱۰۰ درصد اطمینان در متغیر ادراک کودکان از تجربه طلاق والدین مؤثر بوده است (PND=100%). بر اساس یافته‌های حاصل از تحلیل درون موقعیتی و بین موقعیتی داده‌ها، درصد داده‌های ناهمپوش برای آزمودنی‌ها به ترتیب، ۰/۱۰۰، ۰/۱۰۰/۱۰۰ و ۰/۰ درصد

داده‌های همپوش برای آزمودنی‌ها به ترتیب ۰/۰، ۰/۰، ۰/۰ بوده است. نتایج حاصل در مرحله پیگیری در مقایسه با خط پایه برای آزمودنی‌ها نیز حاکی از اثر بخشی و تداوم نتایج به دست آمده بوده است. نتایج نشان می‌دهد که برنامه مداخله‌ای ویژه کودکان طلاق بر درک کودکان از تجربه طلاق والدین مؤثر است.

### بحث و نتیجه‌گیری

هدف از پژوهش حاضر تعیین اثربخشی برنامه مداخله‌ای ویژه کودکان طلاق بر درک کودکان از تجربه طلاق والدین بوده است. طلاق یک آسیب اجتماعی است که زندگی همه اعضای خانواده را تحت تأثیر قرار می‌دهد. کودکان به دلیل وابستگی اغلب در این شرایط آسیب‌پذیرترین افراد هستند، آن‌ها مجبورند برای تصمیم‌گیری در مورد زندگی به والدین خود تکیه کنند. فرزندان نه تنها باید خود را با خود واقعه طلاق، بلکه با جدایی اولیه والدین قبل از این رویداد، و تغییرات زیادی که فرآیند طلاق به دنبال دارد، وفق دهند. نتایج پژوهش حاضر نشان داد برنامه مداخله‌ای ویژه کودکان طلاق در کاهش نگرش منفی نسبت به طلاق والدین (کاهش نمرات مؤلفه تنهایی، کاهش نمرات مؤلفه احساس خشم و سرزنش به خود و اطرافیان) و در افزایش نگرش مثبت به خود (مؤلفه افزایش احساس شایستگی) و بهبود روابط با اطرافیان (مؤلفه تغییر روابط) مؤثر بوده است. پس از جلسات مداخله‌ای، کاهش ناگهانی در سطح نمرات سه کودک ایجاد شد (طبق شاخص تغییر سطح و تحلیل دیداری نمودارها) و به طور کلی، برای هر سه آزمودنی میانگین نمرات کاهش داشت و در مرحله پیگیری نیز همچنان قابل مشاهده بود. اثربخشی مداخله بر اساس محاسبه شاخص درصد داده‌های غیرهمپوش PND تأیید می‌شود، و بر این اساس فرضیه پژوهش مبنی بر اینکه مداخله بر ادراک کودکان از تجربه طلاق تأثیر دارد، تأیید می‌گردد.

کودکان طلاق بدلیل جدایی والدین احساس می‌کنند که با سایرین متفاوت هستند و تمایلی ندارد در این باره با کسی صحبت کنند (نیومن و رومانوسکی، ۲۰۰۰؛ ترجمه فرود، ۱۳۸۶)، لذا بیشتر از سایر کودکان احساس تنهایی می‌کنند. برای کمک به کاهش احساس تنهایی این کودکان، مداخله، محیطی حمایتی برای به اشتراک گذاشتن احساسات، مشکلات و تجربیات مشترک این کودکان فراهم کرد. مکانی امن که کودکان توانستند در مورد آنچه در ذهنشان است، راحت‌تر صحبت کنند. به عبارتی مداخلات در کاهش یکی از مؤلفه‌های شکل‌دهنده درک کودکان به طلاق والدین یعنی احساس تنهایی مؤثر بوده است. اثربخشی پژوهش در مؤلفه تنهایی کودکان نسبت به طلاق والدینشان با مطالعات عبدی و همکاران (۱۳۹۲)، ولدمن و همکاران (۲۰۱۴)، پدرکارول و ولدمن (۲۰۱۶)، سنکو (۲۰۱۶) و ولدمن و همکاران (۲۰۱۸) همسو

بوده است. با توجه به مطالعات (پدرو - کارول، ۲۰۰۵؛ پدرو کارو- و ولدنرمن، ۲۰۱۶) می‌توان تبیین کرد برنامه مداخله‌ای برای افزایش توانایی کودکان در شناسایی و بیان مناسب احساسات نسبت به طلاق والدین تکنیک‌های بازی و استفاده از کتاب را به کار می‌گیرد و با ایجاد محیط گروهی امن تلاش می‌شود کودکان احساسات خود را به راحتی ابراز کنند. در واقع به اشتراک گذاشتن احساس و تجربه کودکان به آن‌ها کمک می‌کند که دریابند در چنین تجربه‌ای تنها نیستند و از میزان نگرش منفی آن‌ها کاسته می‌شود. در ادامه می‌توان گفت کودکان در جلسه دوم یاد گرفتند احساس آن‌ها در واکنش به طلاق والدین‌شان طبیعی است، در جلسه سوم نیز احساسات کودکان در واکنش به طلاق والدین همچون ترس از طرد شدن، احساس خشم و حس گناه شناسایی و بررسی شد و در جلسه ششم نیز با کمک عروسک احساس، ضمن بررسی مشکلات کودکان در رابطه با والدین، به کودکان کمک شد تا احساس میان خود و والدین را بهتر بشناسند و درک کنند. به عبارتی تأکید برنامه بر ساختارهای خانوادگی متفاوت، در کودکان احساس بهتری نسبت به خود و شرایط خانواده ایجاد می‌کند و باعث می‌شود آن‌ها احساس مثبت‌تری نسبت به خود و خانواده داشته باشد.

اثربخشی پژوهش در مؤلفه خشم و سرزنش (نسبت به خود و اطرافیان) با نتایج مطالعات بوتا و وایلد (۲۰۱۳)، ولدنرمن و همکاران (۲۰۱۴)، پدروکارول و کلاین ولدنرمن (۲۰۱۶) و ولدنرمن و همکاران (۲۰۱۸) همسو بوده است که نشان دادند که برنامه مداخله‌ای باعث افزایش نگرش و درک مثبت کودک از خود، خانواده و اطرافیان شده است. در تبیین یافته پژوهش با توجه به مطالعات (پدرو-کارول و ولدنرمن، ۲۰۱۶؛ کنولی و گرین، ۲۰۰۹) می‌توان گفت با ارزیابی مجدد و واقع‌بینانه از شرایط و ارائه اسناد دقیق از مشکلات والدین به کودکان کمک می‌شود تا با چالش‌های مختلف مربوط به طلاق والدین کنار بیایند. به عبارتی در فضای حمایتی برنامه مداخله‌ای، کودکان توانستند تصورات غلط در مورد طلاق را روشن کنند و خود را در جدایی والدین مقصر ندانند. همچنین به این کودکان کمک شد تا نگرانی‌های خود را مستقیماً با والدین خود در میان بگذارند که این امر نیز منجر به تغییراتی در احساسات و رفتار آن‌ها شد (ولچیک، اسنک و ساندلر، ۲۰۰۹). در مورد اثر بخشی برنامه همچنین می‌توان اضافه کرد کودکان در ابتدای جلسه خشم بسیاری نسبت به والدین، اطرافیان و شرایط داشتند و احساس می‌کردند سبب جدایی والدین‌شان هستند و خود را در جدایی والدین‌شان مقصر می‌دانستند. به مرور و با شرکت در فعالیت‌های برنامه مداخله‌ای آن‌ها توانستند تصورات نادرست در مورد طلاق را روشن کنند. در جلسه پنجم کودکان آموختند که بین مشکلاتی که می‌توانند و مشکلاتی که نمی‌توانند حل کنند، تمایز قایل شوند. همچنین کمک شد تا آگاهی بیشتری نسبت به احساس خود پیدا



کنند و سوءبرداشت‌های خود نسبت به طلاق را تغییر دهند و این امر منجر به کاهش خودسرزنشگری آن‌ها شده و موجب شد که احساس بهتری نسبت به خود پیدا کنند. لذا قابل تبیین است که چون مهمترین برنامه پژوهش حاضر تغییر در شناخت و ایجاد حس امنیت در کودک می‌باشد. اجرای برنامه توانسته است میزان خشم و احساس سرزنش کودکان را کاهش دهد.

همچنین نتایج مطالعات در نمره مؤلفه تغییر در روابط نشان داد که توانایی کودکان در ارتباط با همسالان در طول مداخله برنامه بهبود یافته است. می‌توان گفت اثربخشی پژوهش در مؤلفه تغییر روابط کودکان با والدین و همسالانشان با مطالعات عبدی و همکاران (۱۳۹۲)، پوتا و وایلد (۲۰۱۳) و سنکو (۲۰۱۶) همسو بوده است. در تبیین یافته پژوهش با توجه به مطالعات (پدر کارول و همکاران، ۲۰۰۹) می‌توان گفت روابط حمایتی که در طول جلسه با همسالان تجربه شد، مهارت اجتماعی و توانمندسازی شخصی کودکان را تقویت می‌کند. با بهبود رابطه کودک با همسالان و زمانی که کودکان دوستیابی را آسان می‌بینند، به مرور یاد می‌گیرند وقتی با مشکل مواجه شدند، می‌توانند از دوستانش حمایت اجتماعی و عاطفی دریافت کنند (کاسادو، ۲۰۰۰). به عبارتی تأکید بر بهبود روابط یکی از ابعاد اصلی برنامه مداخله‌ای می‌باشد و این برنامه با ایجاد محیط حمایتگر و آموزش مهارت‌های حل مسئله اجتماعی (جلسات سوم، چهارم و ششم) کودکان را به منابع مقابله‌ای مؤثری مجهز می‌کند که می‌توانند با استفاده از مهارت‌های تازه کسب شده، روابط اجتماعی و سازگاری خود را بهبود بخشند و بتوانند بهتر و راحت‌تر با مشکلات کنار بیایند. نتایج پرسشنامه ادارک کودکان از طلاق والدین نشان داد که شرکت کودکان در برنامه مداخله‌ای بر نمرات مؤلفه احساس شایستگی نیز مؤثر بوده است و کودکان نمرات بالاتری را در این مؤلفه بعد از مداخله نشان دادند که با نتایج مطالعات ولدرومن و همکاران (۲۰۱۴) و سنکو (۲۰۱۶) همسو بوده است. در تبیین با توجه به پژوهش پدرو کارول و همکاران (۲۰۰۹) می‌توان گفت کودکان در طی این برنامه یاد گرفتند که به طور مؤثری با مشکلات مواجه شوند و بر آن‌ها کنترل پیدا کنند و این امر باعث شد که احساس مهارت و توانمندی بیشتری در خود بیابند. کودکان با شرکت در این برنامه امید بیشتری به آینده پیدا کردند که این نگرش مثبت باعث ایجاد حس اعتماد به خود و خوش‌بینی در کودکان می‌شود که به عنوان عامل حمایتی در کاهش اثرات منفی طلاق عمل می‌کند (پدرو کارول، ساتون و بلک، ۱۹۹۳). در ادامه تبیین می‌توان اضافه کرد، کودکان سعی کردند راهبردهای حل مسئله بین فردی، از جمله مهارت‌های ارتباطی و کنترل خشم را برای مشکلات واقعی و فعلی نیز به کار گیرند و زمانی که مشکلات حل می‌شدند، احساس غرور می‌کردند. به عبارتی می‌توان گفت بالا بردن آگاهی کودکان نسبت به خودش و

توجه کودک به تغییرات مثبتی که در نتیجه طلاق والدین در زندگی او ایجاد شده و مهارت‌های مقابله‌ای که این کودکان در طی جلسات مداخله‌ای کسب کردند، موجب شد که احساس شایستگی و توانمندی بیشتری داشته باشند.

هدف نهایی برنامه تقویت درک مثبت کودکان طلاق از خود و خانواده است، لذا در جلسات مداخله‌ای تلاش شد تا آگاهی و پذیرش کودکان را نسبت به ساختارهای خانواده و تغییرات مثبتی که پس از طلاق ممکن است رخ داده باشد، افزایش دهد (ولدرمن، کلوسترمز و پاتباکر، ۲۰۱۴). به عبارتی با فراهم کردن محیط حمایتی و ارائه حمایت عاطفی و آموزش مهارت‌های مقابله شناختی- رفتاری و کنترل درونی بر پاسخ‌های خود کودکان به طلاق تمرکز کند. این دو منبع تاب‌آوری به طور تجربی با نحوه نگرش و درک پس از طلاق نیز مرتبط هستند (هاین و همکاران، ۲۰۰۳). در این پژوهش فرآیند رشد ادراک با یادگیری و آموزش مشخص شد که نشان می‌دهد ادراک دائماً در حال تغییر هستند و از تجربیات جدید در محیط ساخته می‌شوند و می‌توان با آموزش، درک سازنده و مثبت را در واکنش به شرایط سخت در کودکان طلاق شکل داد (با شناسایی تصورات غلط و کمک به ارزیابی واقع بینانه از شرایط)، لذا این کودکان یاد می‌گیرند از طریق تجربیات مشابه، بهتر با احساسات خود و مشکلات کنار بیایند و با آن همدلی کنند. از این رو می‌توانند احساس توانمندی بیشتری کرده و کمتر احساس انزوا و متفاوت بودن داشته باشند. نتایج پژوهش حاکی از تأثیر برنامه مداخله‌ای در افزایش ابراز احساسات و نگرش مثبت کودکان نسبت به طلاق والدین‌شان بوده و ضمن کاهش درک منفی کودکان منجر به بهبود رابطه کودکان با والدین و همسالان‌شان شد. به عبارتی این نوع مداخله پیشگیرانه می‌تواند توانایی کودکان را برای مقابله با رویدادهای استرس‌زای زندگی که اغلب با طلاق والدین همراه است، افزایش دهد. از آنجایی که این پژوهش بر روی کودکان دختر طلاق که دامنه سنی ۱۱-۱۲ سال داشتند، انجام گرفت، قابلیت تعمیم‌دهی به کودکان پسر طلاق و گروه‌های سنی دیگر را ندارد. لذا امکان مقایسه نتایج مداخله در دختران و پسران طلاق میسر نبود. همچنین این برنامه فقط به دانش آموزان ارائه گردید و خانواده‌ها، مداخله‌ای دریافت نکردند. انجام مطالعه مشابه بر روی فرزندان پسر در همین زمینه می‌تواند اطلاعات بیشتری در مورد نقش تفاوت‌های جنسیتی در شکل‌گیری برداشت و درک کودکان از طلاق ارائه دهد. همچنین پیشنهاد می‌شود، همزمان با اجرای این برنامه به صورت گروهی، جلساتی برای مشاوره و آموزش والدین و سرپرستان کودکان طلاق نیز برگزار گردد تا علاوه بر افزایش اطلاعات خانواده، زمینه همکاری آن‌ها نیز فراهم گردد.

### موازن اخلاقی

در این پژوهش موازن اخلاقی شامل اخذ رضایت آگاهانه، تضمین حریم خصوصی و رازداری رعایت شد. شرکت‌کنندگان در مورد خروج از پژوهش در هر زمان و ارائه اطلاعات فردی مختار بودند. به والدین کودکان اطمینان داده شد که اطلاعات محرمانه می‌ماند و این امر نیز کاملاً رعایت شد. همچنین پژوهش حاضر دارای شناسه اخلاق به شماره IR.UI.REC.1399.107 از کمیته اخلاق دانشگاه اصفهان است.

### سپاسگزاری

از تمامی شرکت‌کنندگان در پژوهش حاضر و دبستان دخترانه شهید حق وردیان شهر بومهن تشکر و قدردانی می‌شود.

### مشارکت نویسندگان

مقاله حاضر برگرفته از رساله دکتری نویسنده اول در رشته مشاوره بود و همه نویسندگان این مقاله نقش یکسانی در طراحی، مفهوم‌سازی، روش‌شناسی، گردآوری داده‌ها، تحلیل آماری داده‌ها، پیش‌نویس، ویراستاری و نهایی سازی مقاله حاضر برعهده داشتند.

### تعارض منافع

بنا بر اظهار نویسندگان، این مقاله حامی مالی و تعارض منافع ندارد.

### منابع

- بر خودداری، فهمیه. (۱۳۹۵). اثربخشی دو برنامه بازسازی زندگی و مداخله برای کودکان طلاق بر وضعیت روان‌شناختی کودکان والدین در حال طلاق. رساله دکتری. دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه محقق اردبیلی. [پیوند](#)
- بیرامی، منصور، و محبی، مینا. (۱۳۹۵). رابطه دلبستگی به والدین و ادراک از تعارض بین والدین با اختلال اضطراب اجتماعی در دانش آموزان دختر: نقش میانجیگری راهبرد مقابله‌ای هیجان مدار. *روان‌شناسی بالینی*، ۸ (۱ پیاپی ۲۹): ۷۱-۸۲. [پیوند](#)
- حسینی یزدی، سیده عاطفه، مشهدی، علی، و عاصمی، زهرا. (۱۳۹۴). اثربخشی برنامه مداخله‌ای کودکان طلاق بر کاهش مشکلات درونی‌سازی و برونی‌سازی شده کودکان طلاق *روانشناسی خانواده*، ۲ (۱): ۱۴-۳. [پیوند](#)

- خدییوی زند، سمیه، آقامحمدیان، حمیدرضا، و اصغری نکاح، حمیدرضا. (۱۳۹۲). تأثیر بازی درمانی گروهی بر کاهش پرخاشگری کودکان پیش دبستانی، اولین همایش ملی پژوهش و درمان در روانشناسی بالینی. مرکز همایش‌های بین المللی صدا و سیما. تهران، ایران. [پیوند](#)
- صالحپور، پروین، احقر، قدسی، و نوابی نژاد، شکوه. (۱۳۹۸). اثربخشی شناخت درمانی مبتنی بر ذهن آگاهی بر کاهش باورهای غیرمنطقی و طلاق عاطفی زنان متأهل مراجعه کننده به مراکز مشاوره تهران. *مجله دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد*، ۶۲ (ویژه نامه ۱): ۱۶۹-۱۷۸. [پیوند](#)
- عاصمی، زهرا، زارع، حسین، علیپور، احمد، و غباری بناب، باقر (۱۳۹۴). اثربخشی برنامه مداخله‌ای کودکان طلاق بر راهبردهای خودکنترلی آن‌ها. *فصلنامه روان‌شناسی کاربردی*، ۹ (۳): ۶۵-۷۷. [پیوند](#)
- عبدی، محمدرضا، پورابراهیم، تقی، و نظری، علی محمد. (۱۳۹۲). تأثیر برنامه مداخله‌ای کودکان طلاق بر میزان سازگاری آن‌ها با طلاق والدین‌شان. *خانواده پژوهی*، ۹ (۳): ۳۴۳-۳۵۸. [پیوند](#)
- فایض، زهرا، و برجعلی، احمد. (۱۳۸۵). بررسی و مقایسه ویژگی‌های نقاشی خانواده در کودکان طلاق و کودکان غیر طلاق در دوره پیش دبستانی (دوره آمادگی) منطقه ۱۱ شهر تهران، سال تحصیلی ۸۶-۱۳۸۳. *فصلنامه روان‌شناسی تربیتی*، ۲ (۴): ۲۲۱-۲۴۱. [پیوند](#)
- مشهدی، علی، حسینی یزدی، سیده عاطفه، عاصمی، زهر، و کیمیایی، سید علی. (۱۳۹۴). اثربخشی برنامه مداخله‌ای ویژه کودکان طلاق بر بهبود خود پنداره و افزایش تاب آوری کودکان. *فصلنامه روانشناسی تربیتی*، ۶ (۲): ۴۸-۵۸. [پیوند](#)
- مشهدی، علی، حسینی یزدی، سیده عاطفه، مشهدی، علی، و عاصمی، زهرا. (۱۳۹۴). اثربخشی برنامه مداخله‌ای ویژه کودکان طلاق بر بهبود خود پنداره و تاب آوری کودکان. *فصلنامه روان‌شناسی کاربردی*، ۹ (۲): ۲۱-۷. [پیوند](#)
- نصیرزاده، راضیه، و زال پور، خدیجه. (۱۳۹۰). تأثیر تجربه فقدان بر ادراک کودکان در مورد والدین و خداوند. *خانواده پژوهی*، ۲۶ (۷): ۱۶۱-۱۷۳. [پیوند](#)
- نیومن، ام گری، و رمانوسکی، پاتریشیا. (۱۳۹۷). فرزندان طلاق از نوزاد تا هفده سال. ترجمه فرناز فرود. تهران: نشر صابرین. (تاریخ انتشار اثر به زبان اصلی، ۲۰۰۲).
- Aghajanian, A., & Thompson, V. (2013). Recent divorce trend in Iran. *Journal of Divorce and Remarriage*, 54(2), 112-125. [Link](#)
- Angacian, S., Bray, M. A., Kehle, T. J., Byer-Alcorace, G., Theodore, L. A., Cross, K., & DeBiase, E. (2015). School-Based Intervention for social skills in children from divorced families. *Journal of Applied School Psychology*, 31(4), 315-346. [Link](#)
- Asanjarani, F., Jazayeri, R., Fatehizade, M., Etemadi, O., & De Mol, J. (2018). The effectiveness of fisher's rebuilding group intervention on divorce adjustment and general health of Iranian divorced women. *Journal of Divorce & Remarriage*, 59(2), 108-122. [Link](#)

- Auersperg, F., Vlasak, T., Ponocny, I., & Barth, A. (2019). Long-term effects of parental divorce on mental health: A meta-analysis. *Journal of Psychiatric Research*, 119, 107-115. [Link](#)
- Aziz, R. A., Agustina, S., Yahaya, H., Mokhtar, W. N. H. W., Hashim, D. M., Shaifuddin, N., & Wahid, L. A. (2018). The impact of using children's literature for bibliotherapy purposes on children experiencing divorce. *Advanced Science Letters*, 24(1), 378-380. [Link](#)
- Botha, C. J., & Wild, L. G. (2013). Evaluation of a school-Based Intervention Programme for South African children of divorce. *Journal of Child & Adolescent Mental Health*, 25(1), 81-91. [Link](#)
- Carmela, M., Desiree, M., Catena, S. M., & Amelia, R. (2019). Family drawing and psychological vulnerability in children's representations of parental divorce. *Cogent Psychology*, 6(1), 1-144. [Link](#)
- Casado, M. (2000). *Coping strategies and gender differences among children who have been exposed to risk factors*. Doctoral dissertation, University of South Carolina, Columbia. [Link](#)
- Connolly, M. E., & Green, E. J. (2009). Evidence-based counseling interventions with children of divorce: Implications for elementary school counselors. *Journal of School Counseling*, 7(26), 1-37. [Link](#)
- Eaton, M. (2018). Negative effects of divorce and possible intervention program development and improvement. *Intuition: The BYU Undergraduate Journal of Psychology*, 13(1), 4. [Link](#)
- Feeney, B. C., & Monin, J. K. (2016). Divorce through the lens of attachment theory, Cassidy, J., and Shaver, P. R. (Ed.), *Handbook of Attachment: Theory, Research, and Clinical Applications*, Guilford Press, New York, pp. 827-851. [Link](#)
- Galanki, E. P. (2008). Children's perceptions of loneliness. *Hellenic Journal of Psychology*, 5, 258-280. [Link](#)
- Grych, J. H., & Fincham, F. D. (2000). Interparental conflict and child adjustment: Testing the mediational role of appraisals in the cognitive-contextual framework. *Child Development*, 71, 1648-1661. [Link](#)
- Haine, R. A., Sandler, I. N., Wolchik, S. A., Tein, J., & Dawson-McClure, S. R. (2003). Change the legacy of divorce: Evidence from prevention programs and future directions. *Family Relations*, 52(4), 397-405. [Link](#)
- Jewell, J., Schmittl, M., McCobin, A., Hupp, S., & Pomerantz, A. (2017). The children first program: The effectiveness of a parent education program for divorcing parents. *Journal of Divorce & Remarriage*, 58(1), 16-28. [Link](#)
- Kaduson, H. G., Cangelosi, D. and Schaefer, C. E. (Ed.) (2019), *Prescriptive Play Therapy: Tailoring Interventions for Specific Childhood Problems*, Guilford Publications. [Link](#)

- Kalter, N., & Plunkett, J. W. (1984). Children's perceptions of the causes and consequences of divorce. *Journal of the American Academy of Child Psychiatry*, 23(3), 326-334. [Link](#)
- Khasanah, I., & Katili, K. R. D. (2021). Self-Concept and self disclosure of teenager broken home. *Makna: Jurnal Kajian Komunikasi, Bahasa, dan Budaya*, 9(2), 18-33. [Link](#)
- Kornrich, S., & Furstenberg, F. (2013). Investing in children: Changes in parental spending on children, 1972–2007. *Demography*, 50(1), 1-23. [Link](#)
- Kurdek, L. A., & Berg, B. (1983). Correlates of children's adjustment to their parents' divorces. *New Directions for Child and Adolescent Development*, 1983(19), 47-60. [Link](#)
- Kurdek, L. A., & Siesky Jr, A. E. (1980). Children's perceptions of their parents' divorce. *Journal of Divorce*, 3(4), 339-378. [Link](#)
- Lan, X. (2021). Disengaged and highly harsh? Perceived parenting profiles, narcissism, and loneliness among adolescents from divorced families. *Personality and Individual Differences*, 171, 1-9.
- LeCroy, C. W. (Ed.). (2008). *Handbook of evidence-based treatment manuals for children and adolescents*. Oxford University Press. [Link](#)
- Maryaniwal, F. H., & Talwasa, S (2021). Muslim women seeking divorce: An analysis on socio-religious practice. *Antakiyat*, 4(1), 1-20. [Link](#)
- Pedro- Carroll, J. L. (2005). Fostering resilience in the aftermath of divorce: The role of evidence-based programs for children. *Family Court Review*, 43(1), 52-64. [Link](#)
- Pedro-Carroll, J., & Alpert-Gillis, L., & Cowen, E. (2009). An evaluation of the efficacy of a preventive intervention for 4-6 grade urban children of divorce. *The Journal of Primary Prevention*, 13(2), 115-130. [Link](#)
- Pedro-Carroll, J. L., & Jones, S. H. (2005). A preventive play intervention to foster children's resilience in the aftermath of divorce. In L. A. Reddy, T. M. Files-Hall, & C. E. Schaefer (Eds.), *empirically based play interventions for children* (pp. 51–75). American Psychological Association. [Link](#)
- Pedro-Carroll, J., & Velderman, M. K. (2016). *Extending the global reach of a play-based intervention for children dealing with separation and divorce*. American Psychological Association. [link](#)
- Sahin, H. (2020). Comparison of value acquisitions of children of divorced and non-divorced parents. *Educational Research and Reviews*, 15(9), 587-596. [Link](#)
- Sandler, I. N., Tein, J. Y., Mehta, P., Wolchik, S., & Ayers, T. (2000). Coping efficacy and psychological problems of children of divorce. *Child Development*, 71(4), 1099-1118. [Link](#)

- Senko, L. M. (2016). *What do the children have to say? Children's perceptions of the children of divorce intervention program*. Rutgers the State University of New Jersey-New Brunswick. [Link](#)
- Smith, A. D. (2001). Perception and belief. *Philosophy and Phenomenological Research*, 62(2), 283-309.
- Sorek, Y. (2019). Children of divorce evaluate their quality of life: The moderating effect of psychological processes. *Children and Youth Services Review*, 107, 104533. [Link](#)
- Velderman, M. K., Cloostermans, A. P. G., Pannebakker, F. D., ZonMw, S., van Vliet, W., Pedro-Carroll, J., ... & Jeugdformaat, S. (2014). *Child adjustment in divorced families: Can we successfully intervene with Dutch 4-to 6- years-olds? Feasibility study Children of Divorce Intervention Program (CODIP) in the Netherlands*. Leiden: TNO. [Link](#)
- Velderman, M. V., Pannebakker, F. D., van Vliet, W., & Reijneveld, S. A. (2018). Prevention of divorce-related problems in Dutch 4-to 8- years-olds: Cultural adaptation and pilot study of the children of divorce intervention program. *Research on Social Work Practice*, 28(4), 415-427. [Link](#)
- Wallerstein, J. S., & Kelly, J. B. (1980). Effects of divorce on the visiting father-child relationship. *The American Journal of Psychiatry*, 137(12), 1534-1539. [Link](#)
- Wolchik, S. A., Schenck, C. E., & Sandler, I. N. (2009). Promoting resilience in youth from divorced families: Lessons learned from experimental trials of the new beginnings program. *Journal of Personality*, 77, 6, 1833-1868. [Link](#)
- Wijckmans, B., & Bavel, J. V. (2013). Divorce and adult children's perceptions of family obligations. *Journal of Comparative Family Studies*, 44(3), 291-310. [Link](#)